

**حوادث کوتاه**
**تیراندازی خونین در جشن عروسی**

مرد مسلح در یک مراسم عروسی اقدام به تیراندازی خونین کرد و ۳ جوان را هدف گلوله قرار داد. سرهنگ محمدرضا خارکوهی، فرمانده انتظامی راسک (استان سیستان و بلوچستان) گفت: در پی اعلام به پلیس ۱۱۰ مبنی بر تیراندازی منجر به مجروحیت تعدادی جوان در حاشیه یکی از روستاها، بلافاصله مأموران انتظامی به محل اعزام شدند. وی افزود: در بررسی های به عمل آمده مشخص شد، بعد از مراسم عروسی تعدادی جوان در حاشیه روستا به دلیل اختلافات قبلی با هم درگیر شده اند که متأسفانه با تیراندازی یکی از طرفین درگیری، ۳ نفر مجروح شدند. فرمانده انتظامی راسک با اشاره به دستگیری عامل تیراندازی و کشف یک قبضه سلاح در این عملیات تصریح کرد: مجروحان این حادثه به صورت سریایی مداوا و حال آنها نیز مساعد اعلام شده است.

**بازداشت**
**مرد مأمور نما در تهران**

سرپرست سرکلانتری ششم پلیس پیشگیری پایتخت از دستگیری یک مأمور قلابی در مشربیه خبر داد. سرهنگ «محمدرضا موسوی» در تشریح این خبر بیان داشت: ۱۳ خردادماه در پی مراجعه شهروندی به کلانتری مشربیه، مبنی بر اخذی توسط فردی با عنوان مأمور، رسیدگی به موضوع و دستگیری متهم در دستور کار عملیات کلانتری ۱۶۹ این محله قرار گرفت و تحقیقات میدانی آغاز شد. وی با بیان اینکه بلافاصله مشخصات ظاهری متهم اخذ شد و در اختیار گشت انتظامی کلانتری قرار گرفت، افزود: تیم جرمی از مأموران به محل اعلامی مراجعه کرده و متهم را داخل پارک پامچال در حالی که مشغول اخذی از شهروندی بود، مشاهده کردند و سریعاً وارد عمل شده و در یک عملیات ضربتی متهم دستگیر شد. این مقام انتظامی با بیان اینکه متهم ۳۳ ساله در تحقیقات اولیه به جرم انتسابی و اخذی از شهروندان در پوشش مأمور پلیس معرفی شد، افزود: تحقیقات بیشتر برای کشف جرایم احتمالی متهم و شناسایی مالباختگان ادامه دارد.

**نجات گروگان ۲۷ ساله**
**از چنگال آدم ربایان**

پسر جوان که توسط ۳ جوان از داخل خانه اش ربوده شده بود، با تلاش پلیس نجات یافت. سرهنگ علیرضا نوشاد فرمانده انتظامی داراب گفت: در پی گزارش یک قفره گروگانگیری در ۱۲ خردادماه سال جاری در یکی از محلات بخش فوگر این شهرستان، رسیدگی به موضوع در دستور کار تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. وی افزود: در تحقیقات میدانی از شاهدان عینی، مشخص شد ۳ نفر ناشناس اقدام به ربودن جوان ۲۷ ساله از داخل خانه اش کرده و به سرعت از محل متواری شده اند. فرمانده انتظامی داراب تصریح کرد: با توجه به حساسیت موضوع، به منظور حفظ جان این جوان، کارآگاهان پلیس آگاهی تلاش گسترده ای برای ربایان او آغاز و در نتیجه تحقیقات تخصصی خود، هویت عاملان این اقدام را شناسایی کردند و مشخص شد متهمان به دلیل اختلافات مالی این جوان را گروگان گرفته اند. سرهنگ «نوشاد» با اشاره به اینکه مأموران موفق شدند در ۶ کمتراز ۴۸ ساعت ۲۷ نفر از جوانان آدم ربایی مشارکت داشته اند را دستگیر کنند، افزود: گروگانگیری که عرصه را بر خود تنگ می دیدند، مجبور شدند گروگان را در شهرستان «کهنوج» از توابع استان کرمان رها و از محل متواری شوند. سرهنگ «نوشاد» با بیان اینکه متهمین برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شدند، تصریح کرد: با سرخ های به دست آمده، تلاش برای دستگیری عامل اصلی این گروگانگیری ادامه دارد.

**ریزش مرگبار دیوار روی ۲ دخترچه**
**در دخترچه**

ریزش دیوار روی ۲ دخترچه در خراسان رضوی باعث مرگ تلخ یکی از آنها شد. بهشدار بخش بالا ولایت شهرستان باخرز خراسان رضوی گفت: ریزش دیوار نایم در روستای «آبینه» بخش بالا ولایت منجر به مرگ یک دخترچه ۸ ساله و مصدمیت یک کودک ۶ ساله شد. دیوار اجری در روستای آبینه که به دلیل بی کفی نامناسب و نایم حالت ناپیستا داشت، ظهر روز دوشنبه ریزش کرد که بدین دلیل ۲ کودک اهل این روستا مصدوم می شوند. وی گفت: اهالی روستا ۲ دخترچه را از زیر آوار بیرون آورده و با آمبولانس اورژانس ۱۱۵ به مرکز درمانی منتقل می شوند. بهشدار بالا ولایت ادامه داد: کودک ۸ ساله به دلیل آسیب های وارده از ناحیه ریه ها و قفسه سینه در بیمارستان سجادی ترتیب جرم تحت عمل جراحی قرار گرفت که متأسفانه با مباد دیروز سه شنبه و بعد از اتمام عمل به دلیل شدت جراحات جان باخت. پورمحمد اضافه کرد: کودک مصدوم دیگر این حادثه وضعیت جسمانی مناسبی داشته و تحت درمان قرار دارد.

**خوشی زیاد این دختر را افسرده کرده بود**
**فرار دختر**
**از ثروت پدر**

دختر ثروتمند که همه حسرت زندگی او را داشتند، در اتفاقی عجیب از خانه فرار کرد تا به رؤیاهایش برسد.

سارا خود را روی صندلی چایه جا کرد و گفت: نمی دانم شاید فرار از خانه برای دختری که همه امکانات رفاهی را در زندگی اش داشته، دختری که همه دوستش دارند، دختری که پدر و مادر و اطرفیانش هیچ گونه محبتی را از او دریغ نکردند، به نظر مسخره بیاورد. شاید از نظر دیگران خوشی زده بود زیرا دلم و قدردانم نبود.

اما این دختر تک فرزند خانواده همیشه یک غمی در دلش سنگینی می کرد. اینکه هیچ کسی باورش نمی کرد، همه فکر می کردند با اینکه ۱۷ ساله است اما هنوز یک دختر کوچک و لوس است که نیاز دارد ماد را از او مراقبت شود تا مبادا اتفاقی برایش بیفتد.

سارا گفت: بعد از چند سال با نذر و نیاز به دنیا آمدم، دختری که -از نگاه دیگران- در محبت و امکانات غرق بود و همه حسرت زندگی اش را داشتند. زیرتین، مؤدب ترین و قدردارترین دختر در قایل بودم. شاید این انتظارات باعث شده بود من هم از خودم انتظاراتی غیر از این نداشته باشم. من حق اعتراض نداشتم و شاید دلیل یا بهانه ای هم برای اعتراض کردن نداشتم. واقعاً به خاطر دیگران نقاب به چهره زده بودم و از این همه انتظار که باید بهترین باشم،

خسته بودم. من خود واقعی ام را لمس می کردم. دختری بودم که دوست داشتم هم درس بخوانم، هم کار کنم و مستقل باشم. احتیاجی به پول درآوردن نداشتم اما حس استقلال داشتن را دوست داشتم، دلم می خواست آینده ام را آطور که دوست دارم، بسازم نه با نظر دیگران.

دوست داشتم خودم برای اهدافم بجنگم، حتی شکست را تجربه کنم تا خودساخته شوم و همیشه فکر می کردم که تنها در این شرایط است که از خودم راضی خواهم بود. برخلاف نظر خانواده ام که دوست داشتند پزشکی بشوم، مطمئن بودم من در دنیای تجارت و بازرگانی موفق می شوم. دلم می خواست هدفم را از سن نوجوانی دنبال کنم. بارها در مورد افکار و اهدافم با پدر و مادرم صحبت می کردم. پدرم درک می کرد اما مادرم همیشه می گفت تو نمی توانی، تو نمی توانی به تنهایی از پس مسائل و مشکلات خود بر بیایی اما من قوت قلب و بالی می خواستم برای خریدن. پدر به خاطر ترس از نگرانی های مادر و مادر ترس از نتوانستن من، مرا همراهی نکردند. تصمیمم را قاطعانه گرفتم و تمام امکانات، انتظارات و حتی عزیزانم را رها کردم و از خانه بیرون زدم و فقط برای پدرم نوشتم، بابای زانینم، مرد قدرتمند زندگیم، نگران من نباشید و به من اعتماد کنید تا به آرامش درونی برسم. تردید داشتم اما با خودم عهد بسته بودم که به اهدافم برسم و همین باعث دلگرمی من می شد و جرات پیدا می کردم. به همین خاطر کنشتم تا جایی برای ماندن پیدا کنم و توانستم در عرض چند


**نظر کارشناس**

کارشناس مرکز مشاوره آرامش فرماندهی انتظامی ویژه شرق استان تهران در این خصوص بیان داشت: اینکه فرد برای رسیدن به اهدافش عجز و عطشی که در وجودش شعله ور بوده نیاز به حمایت و هدایت از طرف والدین داشته است، نیاز به بحث و تحلیل دارد اما همان طور که از گفته های این دختر نوجوان برداشت می شود، پدر یا مادر کنترل گر، فرزندان خود را محدود می کنند. آنها جلوی استقلال فرزند خود را می گیرند و فضای لازم برای تصمیم گیری و رشد استقلال را به او نمی دهند. این والدین نگران فرزندان خود هستند، در تمامی کارها و تصمیمات آنها دخالت کرده و فرزند را در راستای تحقق اهداف خود سوق می دهند. پدر یا مادر کنترل گر، خودشان سبب اختلالات خلقی و روانی رنج می برند و درگیر آنها هستند و این والدین مشکل خود را نمی پذیرند و تنها مشکلات یا خلأهای خود را سر فرزندان پیاده می کنند و ممکن است از وابستگی شدید یا ترس از دست دادن فرزند خود، دائم بخواهند از او محافظت کنند. والدین کنترل گر نمی دانند که چه آسیب بزرگی به شخصیت و آینده فرزندان وارد می کنند و انگیزه آنها را برای خودکشی، فرار، اعتیاد، رفتارهای پرخطر و... دوچندان می کنند. متأسفانه این انتخاب ها از سوی فرزندان بدون آگاهی نیست؛ یعنی فرد کاملاً به عواقب آن آگاه است اما برای ابزار مخالفت خود تمایل به این کارها دارد.

**راز شوم عشق کور در باغ متروکه**
**زن خیانتکار دستور قتل شوهرش را داد**

عشق کورکورانه پسر جوان به زنی خیانتکار کافی بود تا دسیسه قتل شوهر طراخی شود.

به گزارش «ایران»، رسیدگی به این پرونده مخوف در یکی از روزهای گرم شهریور سال ۹۸ شروع شد. زنی سراسیمه به یکی از کلانتری های کرج رفت و مدعی شد شوهرش سعید ۳۹ ساله که دیروز خانه را برای کار ترک کرده بود، برنگشته و دیگر خبری از او ندارد.

این جمله کافی بود تا تیمی از کارآگاهان جنایی برای کشف راز این پرونده تشکیل شود.

در نخستین گام افسر پرونده برای کشف سرنخی تازه دستور داد مکالمات و تماس های زن جوان به نام مهی ۳۴ ساله تحت کنترل قرار گیرد.

با کنترل تماس های تلفنی مهی بود که کارآگاهان دریافتند این زن با مرد غریبه ای به نام ناصر رابطه مخفیانه ای دارد.

**مرد غریبه و راز خیانت زنانه**  
بنابراین ناصر به آگاهی منتقل شد و در تحقیقات بعدی مشخص شد که وی آخرین فردی بوده که قبل از ناپدید شدن سعید با او در تماس بوده است.

بازجویی های فنی ادامه پیدا کرد و سرانجام ناصر در اظهاراتش به رابطه مخفیانه با مهی اعتراف کرد؛ اعترافی که راز یک جنایت مرموز را نشان می داد.

ناصر در جریان اعتراف های تکان دهنده به رابطه نامشروع مخفیانه اش با مهی اشاره کرد و گفت: مدتی بود که با مهی رابطه داشتم و بعد از رابطه های مکرر بود که شیفته او شدم و این شیفتگی به حدی رسید که دلایحه هم ندیدم و برای دیدن همدیگر لحظه شماری می کردم. مهی در ملاقات هایی که باهم داشتیم، بارها گفته بود که شوهرش را دوست ندارد و او را آزار می دهد.

**دستور قتل توسط زن خائن**  
ناصر ادامه داد: پس از مدتی سعید متوجه ارتباط ما شد و از من خواست تا با هم ملاقات کنیم. وقتی موضوع را به مهی گفتم، او پیشنهاد داد تا سعید را به باغی که متعلق به یکی از دوستان مهی بود، بکشیم؛ سپس با همدستی



شده بودم، حتی او حاضر نبود مرا طلاق بدهد.

**عشق کور**  
پس از پایان اظهارات مهی بود که ناصر در محله دیگری مقابل مدرسه دادگاه ایستاد و از عشق و عاشقی اش گفت. او مدعی بود که به خاطر این عشق دست به این جنایت زده است تا زمینه ازدواجش با مهی فراهم شود.

**فریب خوردم**  
متهم دیگر پرونده که پسرعمه ناصر است و شهرام نام دارد، با بیان اینکه فریب خوردم، گفت: پسردایی ام از من خواست این مرد را که مرد بدی است و ظلم زیادی در حق مهی کرده و مانع ازدواج آنهاست، به باغی بکشیم و بعد او را ۲ نفری با جاقو به قتل رساندیم و برای اینکه راز این

**علت مرگ منصوره سگوند دختر ۱۸ ساله لرستانی**

رئیس کل دادگستری استان ایلام از جزئیات مرگ مرزور منصوره سگوند پزده یکشنبه ۱۴ خردادماه منصوره سگوند دختر ۱۸ ساله از اهالی زاغه لرستان که در یکی از دانشگاه های شهرستان آبدانان ایلام مشغول به تحصیل بود، جان خود را از دست داد. پس از بررسی اورژانس مشخص می شود که علائم حیاتی در منصوره سگوند وجود ندارد و در نهایت بیمارستان علت مرگ را ایست قلبی اعلام کرده است.

با وجود اعلام مرگ این دختر توسط بیمارستان، اما برخی تلاش کردند مرگ منصوره سگوند را مشکوک جلوه داده و با سیاه نمایی به دنبال تشویش اذهان عمومی باشند. پدر و عموی این دختر اما در گفت و گو با رسانه ها هرگونه مرگ مشکوک را تکذیب کرده و

مرگ منصوره ناشی از سکت قلبی عنوان می کنند. «ولی ملک خانی» عموی منصوره سگوند در این رابطه عنوان کرد: مطابق گزارش ها و معاینات پزشکی قانونی، برادرزاده ام سکت کرده است. وی بیان می دارد: ما هیچ گونه مشکلی با این گزارش نداشته و کسانی که به خانواده ما تهمت زده و توهین می کنند، دروغ می گویند. ملک خانی می گوید: خانواده ما همگی پیرو خط رهبری و بسیجی و


**کشف پیکر خلبان پاراگلایدر در ارتفاعات دماوند**

پیکر بی جان خلبان پاراگلایدر بعد از ۷۶ ساعت عملیات جست و جوی و نجات در ارتفاعات دماوند پیدا شد. ساعت ۱۳ صبح روز ۱۳ خرداد، در تماس مردمی با سامانه ندای امدادی ۱۱۲ هلال احمر، سقوط یک فروند پاراگلایدر در منطقه مشاء دماوند گزارش شد. حسام گودرزی خلبان پاراگلایدر به همراه دو خلبان دیگر، با وجود هشدارهای هواشناسی از امامزاده هاشم اقدام به پرواز کردند. این گزارش حاکی است مهی نیز در محاکمه دیگری جداگانه به خاطر رابطه نامشروع با ناصر به ۹۹ ضربه شلاق محکوم شد.

خردادماه ناپدید شده بود. مرتضی مرادی پور، معاون عملیات سازمان امداد و نجات کشور با اشاره به آخرین وضعیت عملیات جست و جوی خلبان پاراگلایدر اظهار داشت: بعد از گذشت ۷۶ ساعت عملیات جست و جوی، پیکر این خلبان در ارتفاعات هزار متری دماوند پیدا شد و امدادگران پیکر او را به پایین ارتفاعات انتقال دادند. معاون عملیات سازمان امداد و نجات کشور گفت: ۲۰۰ نفر از امدادگران و نجاتگران جمعیت هلال احمر در این عملیات جست و جوی و نجات حاضر بودند.